

برای تشکیل این میزگرد از افراد ذیل دعوت به عمل آمد:
 آقای امیرحسین پیرمرادی، پژوهشگر و کارشناس فرهنگ و ارتباطات و مبدع نظریه دنیای شیشه‌ای، آقای امیرعباس جعفری، نویسنده و منتقد آقای دکتر عباس عاشورلویی، پزشک عمومی و آقای مهدی عبداللهی محقق و پژوهشگر.
 جلسه در یک فضای صمیمی برگزار و نظرات جالبی مطرح شد، هرچند با توجه به گستردگی بحث ماهواره نتوانستیم به برخی زوایای دیگر آن بپردازیم. بدون توضیح اضافه شما را به خواندن نظرات این دوستان جوان دعوت می‌کنیم.

امیرحسین پیرمرادی:

در دنیای امروز ما فن‌آوری‌های مختلف ارتباطات و اطلاعات و تکنولوژی مثل انگشتان دستی که کنار هم چیده شده‌اند ما را در بر گرفته‌اند. این تکنولوژی فراگیر، ما را به هر سمتی می‌برد. موبایل، اینترنت، ماهواره، تلویزیون الان جزئی از آن شده است. ما داریم به سمت و سویی می‌رویم که به آن گفته‌ام: «دنیای شیشه‌ای»؛ یعنی دنیای شفاف که همه چیز را همگان خواهند دانست. حالا چه وقت محقق می‌شود و آیا خواهد شد یا نه؟ این‌ها بحث خاص خودش را دارد.

جایگاه ماهواره؟!

درسال‌های اخیر، فقط در مورد خود ماهواره صحبت شده است. نیامدند بگویند که ماهواره در کنار فن‌آوری‌های دیگر، چه

تارسانه مسلح را حل کنیم و صد البته افراد فرهیخته و خواص جامعه بسیار متفاوت با عوام می‌باشند و این‌جاست که کار سخت می‌شود وقتی که شما بخواهی برای عوام برنامه‌ریزی کنی و این هنر خاص خود را می‌طلبی.

عباس عاشورلویی:

به عنوان مقدمه بحث ماهواره یادآوری این واقعه جالب است: سال‌های ۶۲ و ۶۳ بحث ویدئو خیلی داغ بود. آقایان حضور ذهن دارند؛ بگیر و ببندی بود. نگهداری فیلم‌های مستهجن مجازات داشت. خب، آن موقع عده‌ای مخالف این قضیه بودند می‌گفتند با ویدئو نمی‌شود این برخوردها را کرد و البته بعدها خود قانون‌گذاران علناً اعلام کردند که طرحشان موفقیت‌آمیز نبود و به ضرر جامعه و صنعت سینما هم شد. به این دلیل که ورود یک تکنولوژی مستلزم بروز مفسدهای است نمی‌توان جلوی آن را گرفت.

اگر شناخت و معرفت باشد ...

من فکر می‌کنم اگر شناخت ما نسبت به خدا و انسان بالاتر برود، مشکلات حل می‌شود.

ما باید واقعیت‌ها را در نظر بگیریم و ببینیم به سمت چه چیزی می‌رویم و دنیا به چه سمتی می‌رود؟ نباید از فن‌آوری‌های روز دنیا عقب افتاد بلکه باید برای در امان بودن از آفات آن برنامه‌ریزی کنیم.

جنسی را تحریک و تفکرات صحیح انسان را مختل می‌کند پی‌آمدهای طولانی مدت آن هم این است که اگر این آثار کوتاه تکرار بشود، ذهن انسان، کارکرد اصلی‌اش را از دست می‌دهد و فکر ابتذال، برایش امری عادی می‌شود؛ پس به همین دلیل، آزادی ماهواره به صورت مطلق واقعاً درست نیست. اما نکته مهم این‌جاست که به هر حال ما به سمت تکنولوژی و جهانی شدن پیش می‌رویم و مجبوریم در این باره برخی هزینه‌های جهانی شدن را بپردازیم. به مرور زمان چه بخواهیم و چه نخواهیم ماهواره آزاد خواهد شد؛ چون نمی‌توانند جلوی آن را بگیرند. یک روز مامورین، ماهواره‌ها را جمع کردند، بعد آمدند و گفتند که اگر همسایه‌ای شاکی نباشد، مشکل ندارد.

ماه رصد می‌کنید یا تیرگی؟!

من فکر می‌کنم، مهم‌ترین مسئله این است که چگونه پی‌آمدهای ویران‌گر آن‌را مهار کنیم؛ با فرهنگ‌سازی، با ترویج اخلاق یا ...؟ اگر با کار بر اعتقادات مردم، آن‌ها را به سمت خدانشناسی هدایت کنیم، هرچند فیلم و برنامه‌های مبتذل هم باشد جوان ما به آن رغبت نمی‌کند. جوان اگر لذت معنویت را بچشد و سرخوشی با خدا بودن ذکر و دعا را درک کند سراغ چیزهای دیگر نمی‌رود. من این مثال را برای معنادار می‌زنم، بدن ماده‌ای شبیه مرفین تولید می‌کند که نیاز ضروری است من که مواد مصرف نمی‌کنم، به اندازه‌ای مرفین در بدن من هست که از زندگی خودم لذت می‌برم؛ حرف می‌زنم، می‌خندم، می‌گویم، ارتباط دارم؛ ولی شما به صورت مصنوعی،

ماهواره، یک مهمان ناخوانده و غریبه است؛

چه قدر او را تحویل بگیریم؟!

گفت و گو با چند پژوهشگر جوان

• به کوشش: محمد کاظم اطمینان



هدف ما و ماهواره‌ها

بحث دیگر این که باید دید دست‌اندرکاران شبکه‌های ماهواره چه اهدافی دارند؟ آیا فقط به دنبال تهاجم فرهنگی و ترویج ابتذالند؟ آیا هدف همه شبکه‌های ماهواره‌ای، تبلیغات غیراخلاقی و فعالیت‌های اپوزیسیونی است؟ من چنین نمی‌اندیشم. اگر پانصد شبکه داشته باشیم، پنجاه شبکه، بحث ابتذال و تهاجم فرهنگی و ... را دنبال می‌کنند؛ البته هرگز منکر خطرات و مضرات همان پنجاه شبکه غیراخلاقی نیستم و همین‌جا باید به این واقعیت بپردازم چیزی که غیراخلاقی باشد، به هر جهت اثرهای سوئی خواهد داشت؛ چه به صورت موقت، چه به صورت دائمی.

ببینید! بینایی یک حس است؛ دیدن ابتذال، بر مغز و قوه جنسی انسان تاثیر می‌گذارد. شما می‌دانید که بوی غذای خوب، اشتها را تحریک و بوی مواد غذایی بد، اشتها را کور می‌کند؛ پس فقط خوردن نیست. پی‌آمدهای صحنه مبتذل هم همین‌طور است؛ آثار کوتاه مدت دارد و آثار بلند مدت هم

یعنی با تریاک و هروئین یا با مواد دیگر برای خودتان خوشی زودگذر ایجاد می‌کنید. بنابراین، باید معنویت مردم را رشد داد؛ این بهترین پدافند در برابر شبکه‌هایی است که هدفشان، ویرانی فرهنگ ماست.

مهدی عبداللهی:

به نظر می‌رسد ماهواره در قدم اول باید ارزش‌گذاری و ارزش‌یابی شود؛ سپس، بحث‌های دیگر را مطرح کرد. باید ببینیم در جامعه، این یک هنجار و ارزش است و باید گسترش یابد یا ناهنجار و ضد ارزش است و باید با آن مقابله کرد؟ به نظر من، ما به عنوان یک مسلمان، اگر پذیرفته باشیم که معیار ما در همه چیز و از جمله در بحث شبکه‌های ماهواره‌ای، اسلام است، از منظر دین به آن نگاه می‌کنیم. اکنون می‌توانیم دو شاخصه آن‌را مورد ارزیابی قرار بدهیم؛ تصویر و صوت. در بحث تصویر، اسلام تا یک حدی را مجاز، و بیش از آن را، حرام می‌داند.

جایگاهی دارد؟ ما نخست باید جایگاه ماهواره را بشناسیم تا آن‌گاه از ممنوعیت و محدودیت آن بحث کنیم. مثلاً الان بحث فیلترینگ در اینترنت مطرح است. می‌گویند آقا! فیلتر کنید یا فیلتر نکنید؛ خیلی هم بحث داغی است. بعضی از متخصصین امر می‌گویند اصلاً سرعت اینترنت در ایران، خودش فیلترینگ است؛ ماهواره را هم باید بگذاریم در جایگاه خودش؛ نه زیادی بزرگش نکنیم و نه به آن بی‌توجهی. ما هنوز جایگاه ماهواره را در فن‌آوری‌های دیگر روشن نکرده‌ایم.

ماهواره؛ هم خوب هم بد!

الان مرتب می‌گویند جلوی ماهواره را بگیریم. این در حالی است که خیلی از آقایان اهل فن که آدم‌های بسیار متدینی هم هستند عقیده دارند که اگر ماهواره نباشد، از علم و دنیای واقعی علوم عقب می‌مانیم؛ و آن‌ها حتی ماهواره را جزو لاینفک زندگی دینی خودشان می‌دانند و از ماهواره استفاده می‌کنند البته یکی از ضعف‌های ماهواره این است که در میان این برنامه‌های مثبت، سم‌های مهلک نیز وجود

به مجالس لهو و لعب باشد، حرام است یا مثلاً طبق فتوای همه مراجع شنیین صدای زن حرام است. این مرزهای شرعی تا حدودی تکلیف برخی برنامه‌های ماهواره‌ای را مشخص می‌کند. از آن سو برنامه‌های علمی یا خبری یا برنامه‌هایی که می‌توان از آن استفاده خوب کرد، مجاز است. در حقیقت اگر شما ابزار و تجهیزات دریافت کانال‌های ماهواره‌ای را تهیه کردید، هم می‌شود از آن استفاده‌های خوب و مفید کرد و هم استفاده‌های ناصحیح!

ماهواره: ابزار تهاجم و تحریک

اما بیاییم در جامعه خودمان بررسی بکنیم، آیا این ظرفیت برای جامعه ما وجود دارد که بشود این را گسترش داد و یک جوان بتواند از ماهواره فقط استفاده مفید بکند یا نه؟ اگر واقع بینانه نگاه کنیم، انسان به طور کلی تحت تأثیر امیال نفسانی است. بحث استهجان و ابتذال در ماهواره، حقیقت روشنی است. به طور طبیعی انسان از تصویر و صوتی که مطابق با امیال نفسانی باشد لذت می‌برد. امیال نفسانی، که مشتمل بر سه قوه شهوانی، غضبیه و وهمیه است، در فیلم‌ها و آثار هنری غرب، به‌وفور مورد توجه قرار می‌گیرد. یعنی هدف آنان این است که به‌واسطه جذابیت‌های کاذب به تسخیر روانی بیننده بپردازند و او را به ورطه تسلیم در برابر شهوت و غضب و وهم بکشانند و این‌گونه نیازهای برگرفته از ضعف انسان‌ها را مورد توجه قرار می‌دهند که غالباً با اقبال عوام جامعه مواجه می‌شوند. اگر ما به این جایگاه رسیده باشیم که عموم جوانان

هستید؟ چطور نمی‌فهمید؟ این قدر کار خوب می‌شود با آن کرد و...

اما در نگاه واقع گرایانه باید ببینیم کارکرد فعلی ماهواره چیست؟ با این خودکار، هزار و یک کار می‌شود کرد. من باید ببینم از این خودکار چه استفاده‌ای می‌توانم بکنم. گاهی با نگاه مدرن و پسامدرن در مقابل پست‌مدرن دچار پزمرن می‌شویم! یعنی بگوییم! همه دنیا ماهواره دارند، تو چه‌طور نمی‌گذاری بچه‌ات با خیال راحت هر شبکه‌ای را که می‌خواهد نگاه کند؟ غافل از این‌که این ابزار ماهواره - که حالا جهان‌شمول هم شده - دست چه کسی است؟ چه قدرت‌هایی با چه جهان‌بینی و چه اهدافی از آن استفاده می‌کنند؟ چند شبکه ماهواره‌ای در اختیار ماست؟

من به چند شبکه می‌توانم به صورت علمی و تخصصی نگاه کنم و استفاده ببرم؟

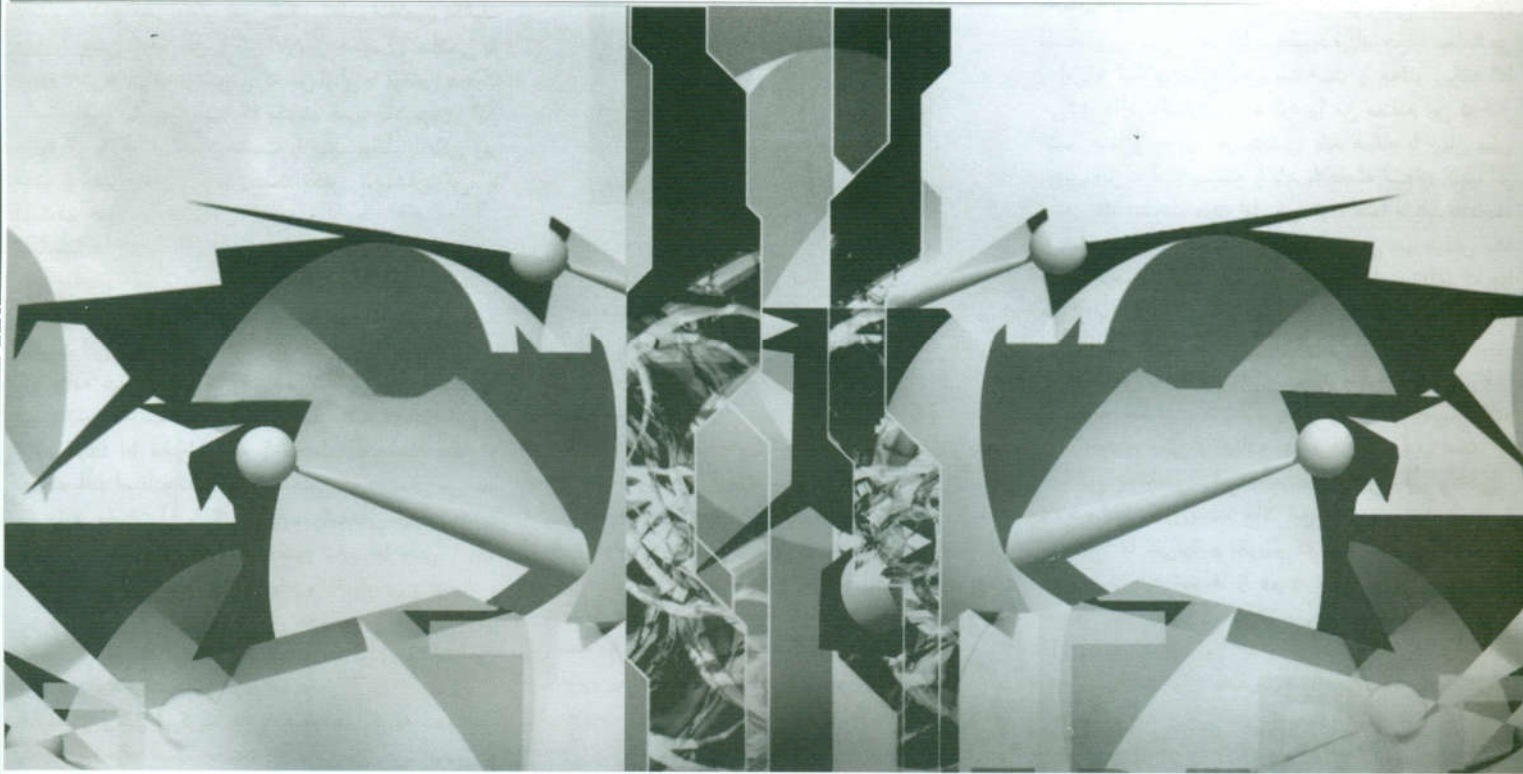
دنیای شیشه‌ای، واقعی است؟!

بحث دنیای شیشه‌ای را من به یک معنا قبول دارم و به یک معنا نه. دنیای شیشه‌ای به این معنا که، دیگر سدی در مقابل امواج وجود ندارد، درست است؛ ولی دنیای شیشه‌ای به این معنا که همه‌کس، همه‌چیز را آن‌طور که حقیقت دارد بفهمد، نه؛ چون ممکن است این امواج مسموم باشند، ممکن است این اخبار دروغ باشد. درباره یک موضوع ممکن است بیست تحلیل مختلف برسد، من از کجا بدانم کدام درست است؟ آن‌وقت کسی قوی‌تر است که این امکانات را بهتر در سیطره

وجود آورده و دشمن‌های منحصر به فرد و قهرتمندی هم دارد. انواع شیوه‌ها را هم استفاده کرده‌اند؛ اینان اکنون جنگ فرهنگی را به عنوان موثرترین شیوه، به‌کار می‌برند. اگر قبول کنیم که این جنگ وجود دارد، قطعاً یکی از ابزارهای آن همین تلویزیون‌های ماهواره‌ای است. حالا اگر همه متفق شدیم به این‌که این انقلاب دشمنی دارد که همه شیوه‌های دشمنی را امتحان کرده و الان آمده سراغ جنگ فرهنگی، و تلویزیون‌های ماهواره‌ای ابزاری شده‌اند برای هجمه دشمن به فرهنگ و اعتقادات ما و نهایتاً به اضمحلال و دست‌کم خفه‌کردن صدای انقلاب ما، باید ببینیم شیوه مقابله چیست؟ سانسور؟ محدودیت؟ ممنوعیت؟ پارازیت؟

ماهواره: مفید نه برای عموم

به نظر من، استفاده مفید از ماهواره را متخصصان رشته‌های مختلف می‌کنند. این هم باید یک بررسی آماری بشود که چند درصد مردم متخصص هستند؟ من دوستانی دارم که در توجیه کارشان می‌گویند آدم باید از اخبار اطلاع داشته باشد، شبکه‌های پزشکی، خیلی قابل استفاده است. بعد که نگاه می‌کنی می‌بینی که دارد چیزهای دیگر را می‌بیند؛ آشکارا می‌گوید که این‌ها هم جذاب است؛ همان‌طور که دوستان گفتند بالاخره نفس انسان است. ما هم که هیچ‌کدام معصوم نیستیم. البته ممکن است کسانی به درجه‌ای رسیده باشند که واقعاً بتوانند خودشان را کنترل کنند؛ ولی خیلی اندک‌اند. عموم جامعه که به این حد از کمال نرسیده‌اند؛ ما اگر بیاییم از



تحت تأثیر یک سری ارزش‌ها و تبلیغات صحیح مذهبی و آموزه‌های دینی، بتوانند با اراده و اختیار خودشان، از ماهواره فقط استفاده مثبت کنند؛ استفاده از ماهواره را می‌توان عمومی کرد؛ ولی وقتی می‌بینیم جامعه امروز، به آن حد خودآگاهی مورد قبول نرسیده است و واقعیت‌ها حکایت از آن دارد که از این وسیله تنها استفاده صحیح نمی‌شود و طبق معیار اسلام که حتی نباید زمینه گناه و معصیت را در جامعه ایجاد کنیم، به‌نظر می‌رسد که رواج و گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای با وضعیت فعلی که هم برنامه‌های مثبت و هم برنامه‌های منفی به هم ضمیمه شده‌اند - درست نیست. من مخالف با تکنولوژی نیستم؛ اما بحث تهاجم فرهنگی به وسیله ماهواره جدی است و حتی به تهاجم فرهنگی هم ختم نمی‌شود؛ به تحریک مردم و توطئه هم می‌انجامد.

امیرعباس جعفری:

به ماهواره دوگونه می‌شود نگاه کرد. یک نگاه آرمانی، و این‌که نگاه ماهواره این تواناها را دارد. آقا خدا شما انقدر بد

خودش بگیرد و بهتر بتواند بر اساس ایده‌ها و آرمان‌های خودش این امواج را بفروشد؛

بی تفاوت نباشیم...

نکته بعدی، خوب یا مفید بودن و یا مفید نبودن استفاده از ماهواره است. وقتی دین یک چیزهایی برایمان حرام شرعی باشد؛ چطور می‌توانیم درباره آن بی‌تفاوت باشیم. از دیدگاه روان‌شناسی، دین فقط یک‌بار بسیاری از صحنه‌ها، تا مدت‌ها ذهن را ویروسی می‌کند، پس یک سری فیلترهای، خانوادگی اجتماعی و فرهنگی، لازم است. بعضی می‌گویند آقا، برو در خانه‌ات هر کار خواستی بکن! چه کار داری که همسایه بغلی چه می‌کند. ولی درباره مقوله فرهنگ، این‌گونه نیست؛ چون تأثیرات آن در جامعه ظهور می‌یابد مثل مدها، گویش‌ها و رفتارهای اجتماعی مختلف که بر دیگر افراد جامعه تأثیر می‌گذارد.

بالاخره انقلابی وجود دارد به نام انقلاب اسلامی ایران - نمونه خارجی هم اصلاً ندارد - که حرکت عظیمی را در جهان به

متخصصان درصد بگیریم، می‌بینیم به راحتی قابل فاکتور هستند. یعنی صرف این‌که این ماهواره برای یک طبقه بسیار محدودی کارکردهای مفیدی دارد نمی‌توان استفاده آن را عمومی کرد. بلکه باید برای آن طبقه بسیار محدود امکاناتی ویژه فراهم آورد. کما اینکه این امکان هم‌اکنون برای اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها وجود دارد. اگر به این نتیجه رسیده باشیم که بعضی از برنامه‌های ماهواره برای عوام مفید است، می‌توانیم برای رودست زدن به دشمن آن برنامه‌ها را در یک شبکه مستقل جمع کنیم و به بهترین شکل، با اطلاع رسانی قبلی، با دوبله و ترجمه و یا دست کم با زیر نویس برای مخاطبان بخش کنیم.

منطق مواجهه با ماهواره

آخرین جمله من این است که اگر روزی برسد که ما نتوانیم جلوی نفوذ ماهواره را بگیریم؛ باید راه‌های مقابله با آن را بررسی کنیم. راه مقابله فقط بستن کانال‌های ماهواره‌ای نیست. من در مقابل دنیای شیشه‌ای با دنیای دیواری مخالفم. مخالفم

بگیریم. نه! می‌شود دیوار هم نباشد و نفوذ هم نشود. البته تا زمانی که ما قادر شویم جلوی این تهاجم را بگیریم، باید با آن مقابله کنیم؛ نه این‌که چون ممکن است چند سال دیگر مثلاً از پشت بام بیفتیم، حالا خودمان بپریم پایین. این‌که ممکن است روزی برسد که بدون دیش و رسیور و ... به راحتی با یک تلویزیون عادی امواج را دریافت کنیم، راه مقابله‌اش این نیست که از همین الان خودمان راه را باز کنیم؛ بلکه حالا که در راه سقوط نیستیم، خودمان نپریم پایین، و به فکر چاره باشیم.

امیرحسین پیرمرادی:

انسان، تحت تاثیر محیط رشد می‌کند و یکی از ابزارهای که در محیط ما هست؛ ماهواره است. چه بخواهیم چه نخواهیم، دنیا دارد به سمت شیشه‌های شلن پیش می‌رود و این یک مضراتی دارد و یک منفعتی.

فرض کنید ما چشمان را باز کردیم؛ به جای این‌که ببینیم، همه جا دیوار است، ببینیم همه جا با شیشه ساخته شده است. آن موقع اصلاً برای ما سوال نیست که چرا همه ببینند. آن موقع فرهنگ خاص خودش را مجبوریم داشته باشیم. الان در دوران گذار هستیم. شاید باورش برایمان سخت باشد؛ چون نمی‌توانیم باور کنیم همه چیز را همگان می‌توانند بدانند؛ خیلی مفسده‌انگیز می‌شود یا بسیار مفید فایده؟ مسئولین امر و همه ما به عنوان فردی که در این جامعه زندگی می‌کنیم، درگیر با ماهواره هستیم. چه کار می‌توانیم کنیم؟ مسئولین، وظایفی دارند و افراد، وظایفی دیگر. بدون شک، تعالیم اسلامی، تکالیف همه را روشن کرده. من را اگر الان از جمهوری اسلامی به جزیره لختی‌ها ببرند در صورتی که من از آن‌جا توانایی هجرت نداشته باشم، این‌جور نیست که بگویند خب، حالا برو در این جزیره گوشه عزلت بگیر، چشم‌ت را ببند، سرت را بکن زیر خاک و بمیر؛ نه! می‌گویند زحمت بکش تربیتشان کن. یا دست‌کم خودت را حفظ کن!

تکلیف ما

امروز ماهواره آمده؛ ما باید با آن چگونه برخورد کنیم؟ هر ابزاری یک فرهنگ استفاده دارد؛ مثلاً این‌که می‌آیند رنج می‌گذارند می‌گویند این برنامه برای افراد زیر ده سال خطرناک است، یک برنامه خیلی وحشتناک پخش می‌شود می‌گویند کسی که قلبش ضعیف است نگاه نکند، سازنده برنامه فهمیده این را اعلام کرده؛ اما مخاطب چه؟ مخاطب هم باید عاقل و فهمیده باشد استفاده نکند امروز تا جایی که دستمان می‌رسد، باید جلوی مضرات آن را بگیریم. باید برنامه‌های خوب بسازیم، جای آن را تنگ کنیم تا اصلاً حضور نیابد. اما وقتی با یک تلاطم عجیب و سهمگین از امواج و تکنولوژی و اقتصاد و هنر و فرهنگ و بینشهای فکری مختلف رو به رو شدیم، تکلیف ما چیست؟ دو نوع تکلیف داریم؛ فردی و اجتماعی. این‌را هم اسلام مشخص کرده است.

تکالیف فردی‌مان می‌گویند آقا! به دیوار هم اگر به قصد ریه نگاه کنی حرام است. تکلیف اجتماعی‌مان این است که اجتماعمان را تا آن‌جا که می‌توانیم سالم کنیم، ما در جامعه‌اسلامی و با حکومت اسلامی زندگی می‌کنیم. با این حال ظواهر ابتدال را در جامعه می‌بینیم؛ این به خاطر روند جهانی شدن است. واکسنی که ما را از این ویروس خطرناک حفظ می‌کند، بیداری درون است، نکته بسیار مهم که متولیان امر فرهنگ باید به آن ارزش دهند، توجه به نظام‌اصیل خانواده، ترغیب ارزش‌ها و شکوفا کردن فطرت واقعی بشر است.

صورت مسئله را پاک نکنیم

وقتی ما بالاجبار در جامعه جهانی قرار گرفتیم، باید هم‌گام با آن پیش برویم، و نمی‌توانیم صورت مسئله را پاک کنیم؛ در این‌باره مسئولین، می‌بایست با نگاهی دقیق‌تر مسئله را کارشناسی کنند.

در کمیسیون‌های مجلس، در صدا و سیما، در حوزه علمیه، چند گروه تخصصی این مسئله را واقعاً بررسی کرده‌اند؛ ما چند سال است که می‌گوییم ماهواره ماهواره ماهواره. وپا که آمد سریع کمیسیون‌های تخصصی بهداشت فعال شد! آقا، راه جلوگیری آن این است، راه مقابله با آن، این. اطلاع‌رسانی لازم است؛ تلویزیون این‌کار را بکند؛ رادیو آن‌کار را. باغ‌های



نسخه. در برابر خطرهای بی‌شماری که در این شبکه‌های تلویزیونی وجود دارد، البته چند استفاده مفید هم هست؛ ما نمی‌توانیم تا موقعی که واکسن تزریق نشده است، بگوییم: آخرش که چی؟ شما که می‌خواهی از این‌جا بروی بیرون، مثلاً به ویروس می‌شوی؛ این‌جا آنفولانزای مرغی آمده است؛ ما باید در را باز بگذاریم و اجازه بدهیم هر پرنده‌ای می‌خواهد بیاید؛ نه! ما نمی‌توانیم این حرف را بزنیم. ما فعلاً مرزها را می‌بندیم، مرغ‌های مشکوک را قرنطینه می‌کنیم، واکسن را تولید و پخش می‌کنیم، همه که واکسینه شدند، می‌گوییم آقا! هر که می‌خواهد بیاید، بیاید.

مقوله فرهنگ، خیلی مهم‌تر از آنفولانزای مرغی و سارس است و حتی آثار تخریبی‌اش از بمب اتم هم بیش‌تر است؛ چون می‌خواهند اصل و هویت ما را بگیرند اگر بمب اتمی در جایی بیفتد، عده‌ای تلف می‌شوند؛ بعد، ممکن است آثار فیزیکی‌اش چندسال باقی بماند و بالاخره تمام می‌شود. بمب اتم نتوانست هویت ژاپن را بگیرد؛ هویت را با بمب‌های فرهنگی می‌گیرند. اعتقاد من این است که در کوتاه مدت حتماً باید این سیستم فیلترینگ ماهواره‌ای را داشته باشیم؛ به هر نوع که بتوانیم. در درازمدت هم باید فرهنگ‌سازی کنیم.

برای حفظ هویت خود چه کرده‌ایم؟

مقام معظم رهبری سال‌ها پیش فرمودند: اگر می‌خواهید اندیشه‌ای ماندگار شود، باید در قالب هنری باشد. چه‌قدر به حرف ایشان گوش دادیم؟ ما اصلاً کار هنری درست انجام داده‌ایم؟ شما نگاه کنید به تیزرهای تلویزیونی؛ چون هنری است، روی جوان اثر می‌گذارد. هالیوود می‌آید جریان ضداسلامی و این‌که اسلام، منشا تروریست است را چه‌قدر زیرکانه القا می‌کند. ما در زمینه دین چه کردیم؟ من معتقدم این که فکر کنیم حتماً و به زور هر چکشی، باید هم‌گام با جهان پیش برویم، این‌که ابزار مدرنیته را باید بلافاصله استفاده کنیم، اگر امروز مثلاً اینترنت حرف اول می‌شود، حتماً ما باید بلافاصله از تمام امکانات اینترنت استفاده کنیم؛ این هم خودش یک تهاجم فرهنگی است؛ یعنی در مخ من جوان بیانداوند که چرا من از ابزار علمی و تکنولوژی جهانی استفاده نکنم؟ مگر من از اروپائیان چه‌کم دارم؟ من می‌گویم این فکر که هر چیزی که به عنوان پدیده نوین فن‌آوری برتر مطرح شد - حتی قبل از تجربه دیگران - من آزاد باشم از تمام زوایایش استفاده کنم، خودش یکی از اهداف تهاجم فرهنگی غرب است.

آگاهی بخشی، فرهنگ‌سازی؛ راه‌حل واقعی

بالاخره باید کاری کنیم، حالا این به عهده مردم است یا حکومت؟ ما نمی‌توانیم بگوییم که فقط مردم باید حواسشان جمع باشد؛ باید شیوه‌ها را هم به مردم آموزش بدهیم؛ پس نخست باید مردم را از اهداف غرب و امریکا آگاه کنیم؛ یعنی اولین شیوه مبارزه این است که مردم آگاه شوند آقا! اگر امریکا می‌آید انواع مفاهیم به ظاهر قشنگ مثل آزادی و دموکراسی را وارد می‌کند، دلش برای آزادی و دموکراسی ما نسخه است. اگر آن جوان این را بداند اگر آن شناخت باشد، اگر به شما بگویند در آن شربتی که به شما دادند فلان داروی سمی ریخته شده است و نمی‌خورید؛ چون شناخت پیدا کردید که این شربت ایراد دارد. به همین منوال اگر به جوان بفهمانند، دارند انسانیت را از تو می‌گیرند، دارند تبدیل می‌کنند به یک حیوان انسان‌نما؛ جوان به صورت خودکار تصمیم صحیح را اتخاذ می‌کند با توهین و دعوا و موقیچی کردن هم نمی‌شود به مردم بفهماند؛ کرامت انسان‌ها باید حفظ شود. پس آگاهی اولین شیوه است. شیوه دوم این است که ما فرهنگ سازی کنیم، تولید نرم افزار کنیم، تولید هنر کنیم؛ یعنی اگر تکی است، پاتک داشته باشیم؛ یعنی ما هم بیاییم انواع شیوه‌های دشمن را استفاده کنیم. اگر شبکه‌های ماهواره‌ای است، ما هم بیاییم ماهواره بفرستیم، اگر اینترنت وجود دارد، این را که دیگر می‌توانیم انواع سایت‌های خوب را راه‌اندازی کنیم. سومین راه و موثرترین راه، تجربه بهره‌بردن از لذات معنوی است. دو راه پیشین هم زمینه‌ساز این راه است؛ یعنی اگر آگاهی نباشد و فرهنگ‌سازی عمومی هم صورت نگرفته باشد این ارزش‌های معنوی، محالی برای خودنمایی نمی‌یابد تا کسی از آن لذت ببرد.

سبزی را زیر و رو کنید؛ وپا، در پیش است. ما درباره مشکلات فرهنگی‌مان که این‌قدر فریاد می‌زنیم از غذای فاسد بدتر است، واقعاً چند کمیسیون و کمیته علمی و فکری و تخصصی گذاشته‌ایم؟

عباس عاشورلویی:

به عنوان جمع‌بندی، به این نتیجه رسیدیم که باید جلوی چیزی که مضر است، را گرفت؛ این را همه اعتقاد دارند. در حال حاضر عوارضی که ماهواره دارد، به چشم نمی‌آید. متأسفانه ما هیچ موقع نمی‌آییم اولویت‌بندی کنیم؛ یعنی به مسائل اخلاقی، خیلی اهمیت نمی‌دهیم. ما مراکز تصمیم‌گیرنده داریم؛ صدا سیما، وزارت ارشاد، مطبوعات اسلامی، حوزه‌های علمیه، این همه مؤسسه‌های فکری و فرهنگی، واقعاً برای حل چنین مشکلاتی بیایند راه‌کار بدهند چگونه می‌توانیم هم‌گام با دنیا پیش برویم. از مزایای آن بهره‌مند شویم واز آفات آن در امان بمانیم؟

مهدی عبداللهی:

درباره جنبه‌های منفی ماهواره و تهاجم فرهنگی بیش‌تر بحث ابتدال و استهجان مطرح می‌شود، در صورتی که به نظرم، جنبه منفی مهم‌تر بحث تهاجم اعتقادی است که خطر آن عظیم‌تر و پیامدهای آن مخرب‌تر است. در میان این بیست و پنج تا سی شبکه فارسی زبان، تعدادی از شبکه‌ها به طور جدی بر این جنبه تمرکز کرده‌اند و ضروریات دین اسلام را مورد هجمه قرار می‌دهند. تبلیغ مسیحیت جدی است. تبلیغ افکار الحادی و مسایلی چون شیطان پرستی جدی است. هدف دشمن، هجمه به انقلاب و ارزش‌های انقلاب است؛ در نتیجه، در سه بعد اخلاقی، اعتقادی و سیاسی، ما مورد هجوم گسترده دشمنان هستیم. باید ابزار و روش‌های مقابله موثر و مفید امروزی را شناسایی کرد. ما منکر فایده برخی شبکه‌ها نیستیم؛ اما دفع ضرری که ضروری است، مهم‌تر است، یا استفاده مفیدی که ضروری هم نیست؟ شما قضاوت کنید!

امیرعباس جعفری:

هیچ کدام از ما باور نداریم که برای همیشه می‌توان جلوی